

در بیانیه آیت‌الله حائری در کناره‌گیری از مرجعیت تأکید شد

## لازم است مؤمنان از آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای اطاعت کنند

آیت‌الله سیدکاظم حائری در بیانیه خود در کناره‌گیری از مرجعیت تأکید کرد؛ بر همه مؤمنان لازم است که از ولی‌فقیه، رهبر انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای اطاعت کنند. به گزارش خبرگزاری حوزه، حضرت آیت‌الله سیدکاظم حائری در بیانیه‌ای اعلام کرد: به‌علت ضعف جسمانی و عدم امکان انجام مسئولیت‌های مرجعیت، از این مقام کناره‌گیری می‌کنم.

ترجمه بیانیه آیت‌الله حائری به این شرح است:

بسم‌الله الرحیم الرحیم

الحمد لله زنة عرشه و مداد کلماته و ما احصاه کتابه و احاط به علمه والحمدلله حمداً يليق بكرم وجهه و عز جلاله والصلوة والسلام على نبي الله الذي ارسله رحمة للعالمين محمدبن عبدالله و على اهل بيته الطاهرين.

قال الله تعالى في محكم كتابه: ﴿لِيُكَفِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وَسْعَهَا﴾ صدق الله العلي العظيم. (بقره/ ۲۸۶)

بدون شك یکی از مسئولیت‌ها و امانت‌های مهم در زمان غیبت امام عصر علیه‌السلام این است که فقهای جامع‌الشرایط امور امت مسلمان و مصالح عام و خاص را (از طریق بیان احکام شرعی، راهنمایی و توصیه و هرکاری که موجب حفظ کیان و عزت امت و دور کردن خطرات است) بر عهده بگیرند. پس از آنکه خداوند توفیق داد، در خدمت آیت‌الله‌العظمی شهید سید محمدباقر صدر علیه‌السلام شاگردی کنم، این مسئولیت را برعهده گرفتم و تمام تلاشم را در حد توان برای تحقق اهدافی که او برای آن‌ها شهید شد و انجام اعمال اسلامی در عراق حسینی علیه‌السلام و یاری اسلام اصیل و حمایت از مؤمنان به‌ویژه جامعه عراق در برابر مکر استعمارگران بیگانه به‌کار گرفتم.



حضرت آیت‌الله حائری از دوران پیش از پیروزی انقلاب، با انقلاب بودند. تبعیت از حضرت امام علیه‌السلام را واجب شرعی می‌دانستند و در دوران تصدی مقام معظم رهبری، همیشه به وجوب تبعیت از ایشان سفارش می‌کردند.

پس از انتشار بیانیه کناره‌گیری حضرت آیت‌الله سیدکاظم حائری از مرجعیت، بسیاری از حوزویان، به تحلیل و تحسین این اقدام پرداختند.

این بیانیه که علاوه بر کناره‌گیری ایشان از مرجعیت، به نکات مهم دیگری از جمله لزوم تبعیت از مقام معظم رهبری، اسقاط وکالت‌های دریافت وجوه شرعی، اهمیت وحدت مردم عراق و هشدار به جریان صدر اشاره دارد، بازتاب گسترده‌ای در خبرگزاری‌ها و شبکه‌های اجتماعی داشت.

در این راستا خبرگزاری حوزه، با آیت‌الله محسن اراکی استاد درس خارج حوزه علمیه قم، که در فضای قم و نجف، تحصیل و تدریس داشته و مدت ۲۰سال شاگرد حضرت آیت‌الله حائری بوده به گفت‌وگو پرداخته که مشروح آن در ادامه تقدیم خوانندگان ارجمند می‌شود.

■ **با تشکر از فرصتی که در اختیار خبرگزاری رسمی حوزه قرار دادید. چند روز اخیر بیانیه‌ای از حضرت آیت‌الله حاج سیدکاظم حائری منتشر شد مبنی بر کناره‌گیری از مسئولیت مرجعیت. این بیانیه به‌نظر حضرت‌عالی بر اساس چه مبنایی و چه پشتوانه‌ای منتشر شده؟ و اینکه آیا در تاریخ فقهای شیعه مسبق به سابقه هم بوده‌که از مسئولیت مرجعیت کناره‌گیری شود؟**

● ابتدا به این نکته اشاره کنم که بیانیه مرجع بزرگوار آیت‌الله‌العظمی حاج سیدکاظم حائری، یک حادثه بزرگ تاریخی است. حادثه‌ای در تراز جنبش تنباکو؛ بلکه شاید هم به‌لحاظ جهانی از آن هم پراهمیت‌تر باشد. نه‌تنها به‌لحاظ اعلان کناره‌گیری از مرجعیت، که این یک بعد این بیانیه بسیار پراهمیت است؛ بلکه به‌لحاظ‌های دیگر، مخصوصاً به‌لحاظ تأثیری که در خاموش کردن آتش فتنه در عراق داشت که این آتش، آتشی بود که اگر تداوم می‌کرد، نه‌تنها عراق و عراقیان را می‌سوزاند که همه منطقه را به آتش می‌کشید و ایشان با این بیانیه این آتش را خاموش کردند.

اما اینکه فرمودید سابقه داشته یا نه؟ گاهی سابقه داشته؛ منتها معمولاً چنین بوده است که مراجع ما بحمدالله تا آخرین لحظات عمرشان سلامتی در حد توانایی فتوا و توانایی پاسخگویی به مسائل و نیازهای شرعی مردم را داشته‌اند. خود خدمت حضرت آیت‌الله‌العظمی اراکی علیه‌السلام در ۱۰۵ سالگی ایشان به‌مناسبت کنگره شیخ انصاری علیه‌السلام رسیدم. یک مطالب بسیار گسترده‌ای در رابطه با تفکرات شیخ انصاری، تأثیر شیخ انصاری و تفکر فقهی ایشان در تحول فقه جعفری و ابعاد تفکر فقه ایشان گفتند. من چنین چیزی را از منبع دیگری نشنیده بودم. آیت‌الله‌العظمی صافی علیه‌السلام را که حدود صد و سه سال عمر کردند، تا همین اواخر به‌صورت کاملاًمسلط درس می‌گفتند. مرحوم آیت‌الله سیدعبدالهادی شیرازی علیه‌السلام که از علمای بزرگ و از مراجع بسیار قدرت‌مندی بود و بعد از رحلت آیت‌الله‌العظمی بروجردی علیه‌السلام، مرجعیت عامه جهان تشیع به ایشان گرایش پیدا کرد. ایشان در ده سال آخر عمرشان نابینا بودند. در عین نابینایی تسلط کافی بر مبانی علمی و بر آیات و روایات وارده از معصومین علیهم‌السلام و تاریخ اسلام داشتند. درس ایشان بعد از دوران نابینایی از لحاظ عمق علمی، گستره مباحث، تقریعات فقهی، هیچ کمبودی از دوران بینایی نداشت. عده بسیاری از مجتهدین بزرگوار، تالافذه دوران نابینایی مرحوم آیت‌الله‌العظمی شیرازی بودند. به هر حال عرض من این است که چنین اتفاقی، کم رخ می‌دهد.

یک وقتی من از استادمان حضرت آیت‌الله‌العظمی وحید خراسانی سؤال کردم، روایت «الصلاة معراج‌المؤمن» را ما هر جا گشتیم، در کتب فقهی پیدا نکردیم. شما جایی سراغ دارید که این روایت نقل شده باشد؟ ایشان فرمودند: همین سؤال را من از استادمان مرحوم آیت‌الله سیدعبدالهادی شیرازی علیه‌السلام کردم. ایشان بی‌درنگ فرمودند: این روایت در جایی یافت نمی‌شود؛ مگر در یک جا؛ در جلد چندم بحارالانوار در فالن صفحه در وسط صفحه؛ آن‌هم جلد‌های بزرگ چاپ سنگی منظورشان بود. این عبارت آمده: «و روی آن الصلوة معراج‌المؤمن» و جای دیگر پیدا نمی‌شود؛ یعنی بزرگان ما این قدر بر مسائل تسلط داشتند. کسی که در حوزه‌های علمی و فقهی به ما مرحله مرجعیت می‌رسد، اصفاً از شرایطی برخوردار است که این شرایط معمولاً و از آن چنان مسلط بر مبانی و بر پاسخگویی مسائل قرار می‌دهد که یک شخصیت کم‌نظیری از او می‌سازد.

حضرت آیت‌الله‌العظمی حائری چند سالی است که در بستر بیماری است. شاید حدود پنج سال باشد که ایشان بیمار هستند. در طول این مدت در عین اینکه بیمار بودند، پاسخگوی مسائل بودند. اخیراً بیماری ایشان شدت یافت. یک‌بار من خدمت ایشان رسیدم که هنوز بیماری‌شان شدت نیافته بود. همان‌وقت ایشان گفتند که من دارم، تأمل می‌کنم که آیا ادامه بدهم به مسئله فتوا یا ادامه ندهم تا اینکه به این نتیجه رسیدند که الآن در شرایطی نیستند که بتوانند، آمادگی پاسخگویی به سؤالات و استفتائات مردم و مدیریت را داشته باشند؛ چون مرجعیت فقط پاسخگویی به استفتائات نیست. احتیاج به این دارد که مرجع، شبکه وکلای خودش را مدیریت کند و بر کار آن‌ها

### حضرت آیت‌الله حائری

### از ابتدا تبعیت از ولی‌فقیه را

## واجب شرعی می‌دانستند

گفت‌وگو با آیت‌الله اراکی

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>

● بله! یعنی ایشان دیگر خودش را از درس آیت‌الله‌العظمی شاهرودی علیه‌السلام مستغنی می‌دید؛ به‌طوری‌که آیت‌الله‌العظمی شاهرودی همه مسائل را به ایشان ارجاع می‌داد و بعد درس آیت‌الله صدر علیه‌السلام آموختند. من به‌خوبی به‌یاد دارم که حتی هر کس که تقریری از مرحوم آیت‌الله‌العظمی شاهرودی می‌نوشت، ایشان اینکه بخواهد، این تاریخ را خوب نگاه کند که آیا مطابق با درس و نظرات ایشان هست یا نیست، و قشش را نداشتند. یک مقدار هم، کهولت سن مانع می‌شد. ایشان به آیت‌الله‌العظمی حائری ارجاع می‌دادند.



ب) آزادسازی عراق از هرگونه اشغال بیگانه و از هر نیروی امنیتی یا نظامی بیگانه و به‌ویژه نیروهای آمریکایی که به‌بهانه‌های مختلف سینه عراق را شکافته‌اند و اینکه اجازه ندهند، در عراق یعنی سرزمین مقدسات بمانند و اینکه مانند آنها از بزرگ‌ترین حرام‌ها نزد خداوند متعال است؛ همان‌طور که در گذشته گفتم.

ج) از مسئولان و کسانی که پست‌هایی را برعهده گرفته‌اند، می‌خواهم که به

وظایف شرعی خود و وعده‌هایی که بر مردم دادند، عمل کنند. از منافع شخصی

و جناح‌بازی که منجر به مصائبی بر مردم مظلوم عراق شد، دور باشند که این کار موجب امان آنها و عزت مردم و ثبات کشور است.

د) بر همه علما و طلاب و نخبه‌های فرهنگی و نویسندگان است که مردم را آگاه کنند تا دوست را از دشمن بشناسند و منافع واقعی خود را درک کنند و گمراه نشوند و کید و نقشه و توطئه دشمنان را بشناسند.

ه) بر فرزندان دو شهید صدر [سید محمدباقر صدر و سید محمدصادق صدر] که رحمت خدا بر آن دو باد، لازم است بدانند که دوستی آن دو شهید، اگر با ایمان به روش آن دو در عمل صالح و با پیروی واقعی از اهداف آن دو (که به‌خاطر همین اهداف شهید شدند) همراه نباشد، کفایت نخواهد کرد و بدانند که مجرد ادعا یا نسبت خوشنودانی به آن دو شهید، کفایت نمی‌کند و هر کس تلاش کند، به‌نام آن دو شهید بین فرزندان امت و مذهب تفرقه بیندازد یا به‌نام آن دو، رهبری را بر عهده بگیرد؛ درحالی‌که فاقد اجتهاد یا دیگر شرایط مشروط در رهبری شرعی است، در واقع صدری نخواهد بود؛ هرچند چنین ادعایی کند یا نسبتی داشته باشد.

و) همه مؤمنان را به حشدالشعبی مقدس سفارش می‌کنم و همه باید از آن به‌عنوان نیرویی مستقل که در دیگر نیروها وارد نشده است، حمایت و آن را تأیید کنند؛ زیرا همان‌گونه که بارها تأکید کرده‌ام، حشدالشعبی کنار دیگر نیروهای مسلح عراقی، قلعه محکم و دست توانا و قوه قاهره در برابر کسانی است که در پی از بین بردن امنیت و منافع مردم کشور عراق‌اند.

ز) باید بعضی‌های جنایت‌کار و فاسد و مزدوران را از مناصب و مسئولیت‌ها در کشور دور کرد و اینکه به‌هیچ‌وجه قدرت در اختیار آنان قرار نگیرد؛ زیرا آنها خیر شما را نمی‌خواهند و به هیچ چیز جز منافع حزبی و خدمت به اربابان استعمارگر و صهیونیست خود و دنباله‌های آنها نمی‌اندیشند.

﴿ربنا لا تؤاخذنا إن نسينا أو أخطأنا ربنا و لا تحمل علينا إصراً كما حملته علی الذین من قبلنا ربنا و لا تحملنا ما لا طاقة لنا به واعف عنا و اغفر لنا وارحمنا أنت مولانا فانصرنا علی القوم الکافرين﴾. (بقره/ ۲۸۶)

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.

۱/ صفرالمظفر / ۱۴۴۴ هـ . - کاظم الحسینی الحائری

بعضی از تقریراتی را هم که به آیت‌الله‌العظمی حائری ارجاع دادند، ایشان نپسندید. می‌گفت: آن چنان که باید باشد، مطابق با مبانی حضرت آیت‌الله‌العظمی شاهرودی علیه‌السلام نیست. منظور این است که قبل از اینکه ایشان در درس آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر حضور پیدا کنند، خودشان فارغ‌التحصیل درس یک مجتهد سترگ و استوانه‌ای از استوانه‌های بزرگ فقهی؛ یعنی مرحوم آیت‌الله‌العظمی شاهرودی بودند. بعد از اینکه ایشان در درس آیت‌الله صدر علیه‌السلام آموختند احساس می‌کنم که نیاز دارم که در درس ایشان حضور پیدا کنم. قریب شانزده هفده سال، در درس آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر حاضر شد.

■ **مرجعیت حضرت آیت‌الله حائری چگونه شکل گرفت؟**

● وقتی که مرحوم آیت‌الله‌العظمی صدر علیه‌السلام به شهادت رسید، از همان دوره به‌تدریج مسئله تقلید از آیت‌الله‌العظمی حائری مطرح شد. منتها تقلیدشان در محدوده خاصی بود. بعد از آنکه اوضاع عراق بعد از شهادت مرحوم آیت‌الله‌العظمی سیدمحمد صدر علیه‌السلام، پدر آقای سیدمقتدی صدر منتشر شد، ایشان وصیت کرد که بعد از من به آیت‌الله‌العظمی حائری رجوع کنید. مرجع بعد از من ایشان هست و ایشان از سایر مراجع به نظر من در مسائل فقه و اصول توانمندتر است. اصلاً همه عصاره افکار مرحوم آقای صدر در اختیار ایشان هست و لذا همه مقلدین خودشان و فرزند خودشان را به آیت‌الله‌العظمی حائری ارجاع دادند. لذا بعد از شهادت مرحوم آیت‌الله‌العظمی سیدمحمد صدر، مرجعیت ایشان بسیار گسترده و عمومی شد. بسیاری از مردم عراق که از آیت‌الله سیدمحمد صدر تقلید می‌کردند، به آیت‌الله سیدکاظم حائری ارجاع داده شدند؛ البته بسیاری هم کسانی بودند که از قبل، حضرت آیت‌الله‌العظمی حائری را به‌عنوان مرجع تقلید پذیرفته بودند. این تاریخ شکل‌گیری مرجعیت عامه ایشان است. کرااً هم از ایشان درخواست شد که بعد از سقوط صدام به عراق مراجعه کند. آمادگی هم داشتند؛ منتها به ایشان توصیه شد که این کار را نکنند؛ چون وضع آنجا از لحاظ امنیتی خوب نبود و قطعاً ایشان هدف قرار می‌گرفت و همان‌طوری که ما آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم را از دست دادیم و ما مظلومیت شدید بی به شهادت رسیدند، به یک ضایعه دیگری دچار می‌شویم. با توجه به این مرجعیتی که برای آیت‌الله‌العظمی حائری اتفاق افتاده بود، نیاز بود که ایشان باشند و این نیاز را ما همین روزها بیشتر از هر روز دیگر احساس کردیم.

■ **یکی از بندهای بیانیه حضرت آیت‌الله حائری این هست که ایشان به‌نحوی همه وکالت‌هایی را که از قبل برای دریافت وجوهای شرعی داده بودند، پس گرفتند. این امر در شیعه به‌نحو دیگری سابقه داشته‌که وقتی مرجع معظم تقلیدی به رحمت خدا می‌رود، مثلاً مهرش شکسته می‌شود. تحلیل و تبیین این مسئله هم مهم است.**

● ابتدا شبیه این مسائل تکرار شده است. آیت‌الله‌العظمی شیخ‌حسین حلی در درس‌شان گفتند که ملاحلی کنی این فقیه قوی و استخوان‌دار و مورد اتفاق از لحاظ مقام بالای علمی، مرجعیت را نمی‌پذیرند. بسیار به ایشان اصرار شد. ایشان گفت که من هنوز به این باور نرسیده‌ام که فتاوی‌ای من، فتاوی‌ای قابل استناد برای مردم باشد. هنوز به اجتهاد خودم در حد مرجعیت یقین پیدا نکرده‌ام؛ با اینکه استاد بزرگ حوزه‌های علمیه و همه شاگردان ایشان از اکابر حوزه‌های علمیه بودند. پنجاه نفر از مجتهدینی که خود مرحوم ملاحلی کنی اجتهاد آن‌ها را تصدیق می‌کرد، شهادت دادند که شما (ملاحلی کنی) مجتهد هستید و بر شما واجب است که فتوا بدهید. تا اینکه ایشان قانع شد که فتوا بدهد. می‌خواهم بگویم این مقام ورع در فتوا دادن، یک مقام خاصی برای مراجع ماست.

من یکی دو سال پیش، خدمت آیت‌الله‌العظمی حائری رسیدم. مسئله افتاء را مطرح کردند و گفتند:

من دارم فکر می‌کنم که آیا می‌توانم این کار را ادامه بدهم یا نمی‌توانم؟! ایشان به شدت گریست. دست

من را گرفته بود و مدتی گریه می‌کرد که این مسئولیت سنگین را خداوند روی دوش من گذاشته نمی‌دانم

تاکی می‌توانم ادامه بدهم؟! اصلاً می‌توانم ادامه بدهم یا نه؟! منظور این است که یک حالت این چنین

در مراجع و بزرگان ما وجود داشته است.

مرحوم آیت‌الله‌العظمی سیدمحسن حکیم یک مرجع تمام‌عیار، جهانی و بین‌المللی بود و تقریباً در زمان خودشان شاید مرجع اول به حساب می‌آمدند. مرحوم آیت‌الله سیدیوسف حکیم فرزند بزرگ ایشان هم، از مجتهدین مسلم حوزه نجف به‌شمار می‌آمدند و در ورع و تقوا و عدالت متفق علیه بود تا جایی که بعضی از کسانی که با خود آقای سیدمحسن حکیم مسئله داشتند، پشت سر فرزند ایشان نماز می‌خواندند؛ اما پشت سر مرحوم آیت‌الله سیدمحسن نماز نمی‌خواندند! ایشان این قدر محل اتفاق بود. نظرات از ارتحال مرحوم آیت‌الله‌العظمی حکیم بزرگ، عشایر عراق، مردم، بسیاری از علما، همه به سمت اعلام مرجعیت مرحوم آیت‌الله‌العظمی سیدیوسف حکیم حرکت کردند. عشایر، نجف را پر کرده بودند، من آن روز نجف بودم. همه فریاد می‌زدند: «قلدناک سیدیوسف»؛ یعنی ما از تو تقلید می‌کنیم. مرحوم آقای سیدیوسف حکیم، برادرشان آقااسید محمدرضا حکیم را موظف کردند، در صحن حضرت امام علی علیه‌السلام، مردم را جمع و اعلام کردند که آقای سیدیوسف متصدی مرجعیت نیست. با وجود مراجع بزرگ آن زمان؛ یعنی آیت‌الله‌العظمی شاهرودی، آیت‌الله‌العظمی خویی و حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خمینی علیه‌السلام در حوزه نجف دیگر نیازی به تصدی مرجعیت از سوی من وجود ندارد.

منظور این است که چنین رویه‌ای در بین علمای ما شایع بوده است و این نشان‌دهنده عدالت و ورعی

است که هم چنان در حوزه‌های علمیه و در شکل بسیار بالایی در مقام مرجعیت و مقام عالی مدیریت

حوزه‌های بزرگ ما ادامه دارد و این، از نفس پاک ائمه هدی علیهم‌السلام و دعای حضرت ولی عصر علیه‌السلام و

نظرات آن حضرت بر حوزه‌هاست. من یقین دارم، که نه‌تنها حضرت ولی عصر علیه‌السلام نظرات دارند

و مطلع هستند، بلکه تسدید می‌کنند؛ یعنی مراجع را به سمت آن راهی که درست است، هدایت

می‌کنند. حضرت امام خمینی علیه‌السلام که این کار بزرگ را در جهان بشر شکل دادند، از آنجا سرچشمه

می‌گرفت که با تأییدات مقام ولایت عظمای حضرت ولی عصر علیه‌السلام این کار انجام گرفت.

همچنین میرزا محمدتقی شیرازی علیه‌السلام که رهبری قیام مردم عراق علیه استعمار انگلیس را بر عهده

گرفت و آزادی عراق از دست استعمار، مروهن فتوای ایشان است. اگر آن غنایت و اگر آن دم عیسوی

امام معصوم علیه‌السلام نباشد، این موضع‌گیری‌ها در تاریخ مرجعیت ما به این شکل در طول تاریخ تدام پیدا

نمی‌کند.